

فصلنامه علمی - ترویجی در حوزه اخلاق  
سال هشتم، شماره ۲۹، پیاپی ۵۱، بهار ۱۳۹۷  
صفحات ۹۹-۱۱۹

Quarterly Journal of Extension in Ethics  
No.29/ SPRING 2018/ eighth Year

## مشکلات اخلاقی تبلیغ دین و راه‌های برون‌رفت از آن

محمد شکری،\* سید احمد فقیهی\*\*

### چکیده

این پژوهش با اهدافی چون ارتقای سطح کیفی تبلیغ، آشنایی مبلغ با دشواری‌های اخلاقی تبلیغ دین و راه‌های برون‌رفت از آن انجام شده است. بعضی از مهم‌ترین این دشواری‌ها، تبلیغ برای جنس مخالف، تبلیغ در مناطق سُنی‌نشین و تبلیغ در مناطقی با تکرر فرهنگی مثل سربازخانه‌هاست. سؤال اصلی پژوهش این است که دشواری‌های اخلاقی تبلیغ دین و راه‌های برون‌رفت از آن کدام‌اند. در پاسخ به این سؤال این نتیجه به دست آمد که با رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی و دینی از جمله عفت، عدالت، احسان، مخاطب‌شناسی، حفظ وحدت میان مذاهب اسلامی، پرهیز از فرقه‌گرایی و حزب‌گرایی، تکیه بر اصول مشترک و مردمی بودن، می‌توان مشکلات اخلاقی تبلیغ را از سر راه برداشت.

روش تحقیق در این پژوهش از حیث گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای و از حیث تجزیه و تحلیل اطلاعات، توصیفی تحلیلی است. همچنین، این تحقیق از نظر اهداف آن، یک تحقیق کاربردی محسوب می‌شود.

\*کارشناس ارشد مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم.

shokrimohammad859@yahoo.com

\*\*دکترای تخصصی علوم قرآنی، تفسیر قرآن مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره)، قم.

faghihiqabas@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۱



## واژگان کلیدی

اخلاق، مبلغ، تبلیغ دین، اخلاق مبلغ.

### ۱. مقدمه

تبلیغ در اصطلاح یعنی رساندن پیام به دیگری از طریق برقراری ارتباط با هدف ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار او. تبلیغ بر سه عنصر اصلی پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده و محتوای پیام مبتنی است. در این پژوهش سعی بر این است که برخی از مشکلات اخلاقی تبلیغ دین و راه‌های برون‌رفت از آن‌ها بررسی و نمونه‌هایی از تعارض‌های موجود در عرصه تبلیغ معرفی شود. در این باره مسائلی همچون «تبلیغ برای جنس مخالف»، «تبلیغ در مناطق سنی‌نشین» و «تبلیغ در مناطق با تکثر فرهنگی مثل زندان‌ها و سربازخانه‌ها» اهمیت دارد.

با توجه به اهمیت تبلیغ دین و تأکید دین مبین اسلام بر امر تبلیغ - مانند آیه **﴿ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَ إِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَمَا بَلَّغْتُمْ رِسَالَتَهُ ﴾** (مائده، ۶۷) - عده‌ای به‌عنوان مبلغ دین انفرادی یا گروهی یا سازمانی فعالیت می‌کنند. این افراد در کار خود با مسائل اخلاقی مواجه هستند. برای رفع این مسائل، کتب و مقالاتی نوشته شده است؛ اما پژوهش‌های انجام‌شده یا درباره اخلاق هستند یا درباره تبلیغ؛ به‌عبارت‌دیگر، پژوهشی که ترکیبی از هر دو موضوع باشد، صورت نگرفته است. به‌همین دلیل، بر آن شدیم راهکارهای اخلاقی برون‌رفت از مشکلات اخلاقی تبلیغ دین را از دیدگاه اسلام و اندیشمندان اسلامی تبیین کنیم. برای جلوگیری از دین‌ستیزی و دین‌گریزی باید تبلیغ دین به‌طور صحیح انجام شود. در این تحقیق به مشکلات اخلاقی تبلیغ دین، مانند تبلیغ برای جنس مخالف، تبلیغ در مناطق سنی‌نشین و تبلیغ در مناطق با تکثر فرهنگی و راهکارهای برون‌رفت از آن‌ها پرداخته می‌شود.

### ۱.۱. تبلیغ

واژه تبلیغ از ماده «بلغ» بر وزن تفعیل به معانی «رسانیدن» و «رسانیدن خبر یا پیام» است:



- تبلیغ: رسانیدن، واصل شدن و رسانیدن عقاید دینی یا غیر آن‌ها با وسایل ممکنه (ر.ک: دهخدا، ۱۳۴۹: ذیل واژه «تبلیغ»).

- بَلغ: بلوغ و بلاغ، یعنی رسیدن به انتهای مقصد اعم از آنکه مکان باشد یا زمان یا امری معین و گاهی نزدیک شدن به مقصد مراد باشد، هرچند به آخر آن نرسد (راغب، ۱۴۱۶ق: ۱۴۴). با آنکه راغب «بلاغ» را مصدر ثلاثی گرفته، از آن معنای تبلیغ و کفایت را نیز اراده کرده است.

برای تبلیغ معانی اصطلاحی متعددی وجود دارد؛ از جمله: «رساندن پیام الهی به شیوة روشنگرانه از طریق ایجاد ارتباط و تشویق به پذیرش محتوای موردنظر با استفاده از ابزارهای مشروع هر عصر» (رهبر، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

## ۲.۱. اخلاق

اخلاق: مفرد آن خُلُق (به ضم خاء و سکون لام) و خُلُق (به ضم خاء و لام) است. این واژه در لغت به معنای خوی، سرشت، طبیعت (دهخدا، ۱۳۴۹: ذیل واژه «خلق») و سَجِيه (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۱۴) و عادت است؛ چه خوی و سرشت و طبیعت نیکو و پسندیده باشد، مانند جوانمردی و دلیری، چه زشت و ناپسند، چون فرومایگی و بزدلی. به همین دلیل، تعبیر اخلاق فاضله و اخلاق رذیله را به کار می‌برند. در آیه شریفه ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم، ۴) نیز واژه خُلُق به همین معنا به کار رفته و در مقابل خُلُق است. در اصطلاح، معانی متعددی برای اخلاق بیان شده است که به دو مورد از آن اشاره می‌شود:

۱. «الخلق هو الملكة النفسانية التي تصدر عنها الأفعال بسهولة و ينقسم إلى الفضيلة و هي الممدوحة كالعفة و الشجاعة، و الرذيلة و هي المذمومة كالشره و الجبن لكنه إذا أطلق فهم منه الخلق الحسن» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۳۶۹)؛ کلمه خلق به معنای ملکه نفسانی است که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدمی سرمی‌زند؛ حال چه آن ملکه از فضائل باشد، مانند عفت و شجاعت و امثال آن و چه از رذائل، مانند حرص و جبن و امثال آن؛ ولی اگر مطلق ذکر شود، فضیلت و خُلُق نیکو از آن فهمیده می‌شود.



۲. اخلاق، صفت راسخ و پایدار نفسانی است که ممکن است حسن باشد یا سوء. آنچه فیض کاشانی بیان کرده است به همین اشاره دارد: «فالخلق عبارة عن هيئة للنفس راسخة تصدر عنها الأفعال بسهولة و يسير من غير حاجة إلى فكر و روية» (فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۹۵).

## ۲. مشکل تبلیغ برای جنس مخالف و راه‌های برون‌رفت از آن

در درون انسان کشش‌هایی به جنس مخالف وجود دارد که در بقای نسل مؤثر است؛ یک نمونه از آن، گرایش برای ایجاد روابطی خاص در قالب ازدواج و پیوند زناشویی است. سؤال این است که با وجود این کشش و جاذبه بسیار قوی میان مرد و زن، آیا مردان می‌توانند برای زنان تبلیغ دینی داشته باشند و دچار انحراف نشوند و بالعکس. آیا سخنرانی کارشناسان دینی زن در همایش‌ها و جلسات برای آقایان، اخلاقی است؟ آیا روضه‌خوانی بانوان در مجلس بانوان اخلاقی است، اگر آقایان صدای آن‌ها را بشنوند؟ آیا تبلیغ و اجرای برنامه‌های مذهبی توسط بانوان در صداوسیما - که مخاطبان مرد دارد - اخلاقی است؟

هدف انسان رسیدن به قرب خدای تبارک و تعالی است. تبلیغ دین برای جنس مخالف (البته غالباً تبلیغ مرد برای بانوان) نیز اگر برای تحقق این هدف مقدس باشد، اشکالی ندارد و بعضاً ضروری است. بنابراین، مبلغ دین افزون بر توجه به قرب الهی باید مقدمات قرب را نیز فراهم کند. خداوند دربارهٔ مرد و زن نامحرم می‌فرماید: «به مردان باایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است و به زنان باایمان بگو: دیدگان خود را فرو بندند و پاکدامنی ورزند» (نور، ۳۰ تا ۳۱).

بنابراین، مبلغ دین هنگام رویارویی با جنس مخالف باید راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌های اخلاقی را بداند تا گرفتار مشکلات و مسائل آن نشود. در این باره به پنج راهکار مهم اشاره می‌شود:

### ۱.۲. رعایت عفت عمومی در گفتار، رفتار و نگاه

یکی از مهم‌ترین صفات نفسانی بازدارنده، «عفت» است که از اخلاق فردی شمرده می‌شود. «عفت» در لغت به معنای پارسایی و خودداری از انجام دادن امر قبیح است (سید رضی،



۱۴۱۴ق: ح ۶۷). در اصطلاح علم اخلاق، عفت به صفتی نفسانی گفته می‌شود که از غلبه شهوات جلوگیری می‌کند (راغب، ۱۴۱۲ق: ۵۷۳). حقیقت عفت در آن است که با وجود برخورداری از غرایز و شهوات، عقل و شرع همواره جانشین شهوات باشد. این سخن امام علی علیه السلام که «برترین عبادات عفت است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۷۹)، بر همین کارکرد راهبردی دلالت دارد. از برجسته‌ترین آفات عفت، «شره» و «خمود» است؛ اولی پیروی بی‌چون و چرا از شهوات و دومی کاهلی در بهره‌وری لازم از غرایز طبیعی است (نراقی، ۱۳۷۱: ۵۴).

مرحوم نراقی سرّ همه اخلاق حسنه را در چهار فضیلت می‌داند: ۱. حکمت؛ ۲. عفت؛ ۳. شجاعت؛ ۴. عدالت. او درباره عفت می‌نویسد: «عبارت است از مطیع بودن قوه شهویه از برای قوه عاقله و سرکشی نکردن از امر و نهی عاقله تا آنکه صاحب آن از جمله آزادگان گردد و از بندگی و عبودیت هوا و هوس خلاصی یابد» (همان: ۴۹).

با توجه به اهمیت عفت لازم است عوامل دخیل در تحصیل عفت و حفظ آن تبیین شود:

۱. ایمان: ایمان از عوامل بازدارنده انسان از ورود به محرّمات الهی است و او را در حفظ عفت یاری می‌کند. در قرآن کریم و روایات اسلامی، مؤمنان به صفت پاکدامنی ستوده شده‌اند؛ قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾؛ «مؤمنان رستگار شدند... و آن‌ها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند» (مؤمنون، ۱ تا ۵). امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ عَفِيفٌ مُّقْتَنِعٌ مُتَنَزِّهٌ مُتَوَرِّعٌ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۹۲)؛ «مؤمن، پاکدامن، قناعت‌پیشه، پاک‌سرشت و خویش‌دار است». پس، مؤمن باید همیشه به حقیقت خود که انسانی تکریم‌شده و خلیفه الهی است، توجه داشته باشد و یک لحظه از خدای خود غافل نشود. مبلّغ باید بداند که دور شدن از هدف پیام‌رسانی، در واقع، خیالاتی بیش نیست و متاع قلیل دنیا در برابر وعده‌های الهی پشیزی نمی‌ارزد.

۲. عقل و خرد: در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «ریشه عقل، عفت‌ورزیدن و ثمره عفت، کمی‌اندوه است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷: ۷۵)؛ بنابراین، مبلّغ باید همواره درباره خدای خود، کمال حقیقی و معشوق واقعی خود بیندیشد و در رفع موانع رسیدن به اصل خود یعنی آفریدگار بکوشد.





۳. خودشناسی: انسان باید حقیقت وجودی خود را بشناسد و بداند موجودی است دو بُعدی (جسمانی و روحانی) و اصل، روح اوست. او باید بداند دشمنان درونی و بیرونی، همیشه در کمین او نشسته‌اند تا ایمان و شخصیت او را تباہ کنند.
۴. قناعت: امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «کسی که نفس خود را به قناعت وادارد، نفسش او را بر پاک‌ی و عفت یاری می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۲). اگر انسان بتواند صفت قناعت را در وجود خود نهادینه کند و به اصطلاح اخلاقی، ملکه قناعت را در خود ایجاد کند، به راحتی می‌تواند دیگر فضایل را در خود تقویت کند.
۵. غیرت: غیرت و جوانمردی نیز در پاکدامنی انسان نقش مؤثری دارد و موجب می‌شود انسان هرگز تن به بی‌عفتی ندهد. غیرت رابطه مستقیمی با پاکدامنی دارد؛ انسان به همان اندازه که از صفت غیرت و جوانمردی بهره‌مند است، در حفظ پاکدامنی خود می‌کوشد. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «ارزش مرد به اندازه همت او... و پاکدامنی‌اش به اندازه غیرت اوست» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ح ۴).
- مبلغ دین باید درباره دین و ناموس خود و مؤمنان دیگر غیور باشد؛ یعنی همان‌گونه که به ناموس خود غیرت دارد، ناموس دیگران را هم از نگاه نامحرم خود و حتی دیگران حفظ کند.
۶. تأمین نیازهای جنسی و عاطفی: کسی که در محیط خانه و به‌طور مشروع، نیازهای جنسی خود را تأمین می‌کند، بسیار کمتر به بی‌عفتی آلوده می‌شود. خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾؛ «آن‌ها (زنان) لباس شما و شما لباس آن‌ها هستید (زینت و سبب حفظ یکدیگرید)» (بقره، ۱۸۷).
۷. حیا: عامل دیگری که در حفظ پاکدامنی انسان مؤثر است، صفت شرم و حیاست. انسان به همان اندازه که از این صفت پسندیده بهره‌مند باشد، از کارهای زشت و نامشروع دوری می‌کند. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره حیا می‌فرماید: «پاکدامنی هرکس، به اندازه حیای اوست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۵۱).
۸. تقوا: تقوا زیباترین صفت مؤمن و عامل سعادت و رستگاری اوست. خداوند در قرآن بارها انسان را به تقوا فراخوانده و آن را لباسی پاک برای روح انسان معرفی کرده است: ﴿وَلِبَاسٍ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ﴾؛ «و جامه پرهیزگاری از هر جامه‌ای بهتر است» (اعراف، ۲۶).

۹. ریاضت: ریاضت عبارت است از کم خوردن، کم نوشیدن، روزه گرفتن، ذهن را به مباحث علمی مشغول کردن، فعالیت‌های جسمی اعم از کار، ورزش و عبادت.

۱۰. توجه به آثار مفید عفت و ورزیدن: از نظر نراقی، روش مقابله با سلطه شهوت جنسی آن است که نخست، شخص به آثار و پیامدهای سوء آن بیندیشد؛ دوم، از عوامل تحریک‌کننده شهوت جنسی (مانند نگریستن و فکرکردن به جنس مخالف و مسائل جنسی و سخن گفتن و خلوت کردن با نامحرم) دوری کند و سوم، آنکه در صورت ضرورت، شهوت جنسی را با گرسنگی تضعیف کند. چنان‌که گفته شد، عفت به معنای رعایت اعتدال در استفاده از نعمت‌های حلال است که در مقابل آن، شره و خمود قرار دارد؛ شره افراط در شهوت شکم و دامن است و خمود نیز تفریط در این دو (نراقی، ۱۳۷۱: ۲۳۴ تا ۲۳۹).

شیر درباره آثار سوء زیاده‌روی در شهوت شکم می‌گوید: «شکم سرچشمه شهوات و محل روییدن جمیع آفات و دردهاست. اگر به شهوت شکم پاسخ مثبت بدهی، به دنبال آن، شهوت دامن و حرص و ولع به رابطه جنسی پدید می‌آید. هنگامی که این دو شهوت با هم جمع شوند، انسان به مال و جاه رغبت می‌یابد؛ چراکه این دو، ابزار افزونی خوراکی‌ها و شهوت‌رانی است و چون در صدد جمع مال برآید، انواع ظلمت‌ها و اقسام رقابت‌ها پدید می‌آید و از این‌هاست که آفت ریا و آشوب تباخر و تکاثر و تکبر متولد می‌شود. این صفات، انسان را به کینه و حسد و بغض و دشمنی می‌خوانند و سپس صاحب خود را در ورطه سرکشی، گناه، فحشا و منکرات غوطه‌ور می‌سازند» (شیر، ۱۳۷۴: ۲۱۳). در مقابل، گرسنگی و اعتدال در خوردن و آشامیدن آثار مفیدی دارد؛ از جمله صفای قلب، درخشش و تیزبینی، رقت قلب و آمادگی برای درک لذت مناجات با خداوند، انکسار و تواضع و رفع حالت گردنکشی، درهم شکستن میل به گناه، دفع خواب و دوام بیداری و سلامت بدن و دفع امراض (همان: ۲۱۴ تا ۲۱۶).

بنابراین، مبلغ دین باید متوجه باشد که ارتباطی که با مخاطبان و جنس مخالف دارد، فقط برای رساندن پیام دینی و تبیین محتوای آن است؛ لذا باید از هرگونه پیام و ارتباطی که در مباحث علمی و دینی خلل وارد می‌کند، پرهیز نماید. از این رو، به محض احساس دریافت



پیامی غیرآموزشی، باید رابطه در همان لحظه قطع شود. همچنین، درباره رفتارهای جنس مخالف نباید کنجکاوی کرد؛ برای مثال: چرا این پیام را به من داد؟ یا چرا در معرض دید من قرار گرفت؟ زیرا بیشتر این رفتارها عادی و طبیعی است و به‌طور ناخودآگاه صورت می‌گیرد. ممکن است این رفتارها برخاسته از حس کنجکاوی مخاطب باشد تا رفتار مبلغ را با گفتارش بسنجد. اخلاق به ما می‌آموزد که مبلغ دین اگر احساس لغزش کرد، برای حفظ عفت، دین و آبروی خود و دیگران باید به خدا پناه ببرد و از صحنه گناه به‌هرنحوی دور شود؛ مثلاً ارتباط را مختصر کند یا از پشت پرده پیام‌رسانی کند و برای تبلیغ دینی، راه و روش دیگری بیابد.

## ۲.۲. پرهیز از نگاه حرام

منظور از نگاه‌های حرام، نگاه‌های آلوده و شهوت‌انگیزی است که همچون تیرهای هلاک‌کننده‌ای از سوی شیطان هستند و اهل بیت علیهم‌السلام، مسلمانان را از آن برحذر داشته‌اند: «إِيَّاكُمْ وَ النَّظَرَ فَإِنَّهُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۸۹). سرانجام نگاه حرام و آلوده، بی‌عفتی است. قرآن کریم با ظرافتی خاص، مردان و زنان را به «غَضِّ بَصَرٍ» یا «حفظ نگاه»، فرامی‌خواند و در کنار آن به پاکدامنی و حفظ عفت سفارش می‌فرماید: «به مردان باایمان بگو: دیده فرونهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است و به زنان باایمان بگو دیدگان خود را فروبندند و پاکدامنی ورزند» (نور، ۳۰ و ۳۱).

مبلغ دین با وجود علم و آگاهی به اقسام نگاه‌های حرام به جنس مخالف و تبعات سوء آن، ممکن است دچار آسیب‌هایی بشود. حال، چه راهکارهای اخلاقی برای برون‌رفت از این آسیب‌ها وجود دارد؟

## ۳.۲. راهکارهای برون‌رفت از مسائل اخلاقی تبلیغ دین برای جنس مخالف

۱. مبلغ باید «ناقص دیدن» یا «پایین انداختن چشم» و به تعبیر قرآن کریم «غَضِّ بَصَرٍ» را رعایت کند؛ یعنی باید بر بعضی از امیال غریزی غلبه نماید.





۲. مبلغ دینی باید بدانند که رسیدن به رشد معنوی و تهذیب نفس در گرو «غَضَّ بصر» و حفظ دامن خود از گناه است.

۳. مبلغ دین، باید وقار و متانت خود را مخصوصاً در برابر جنس مخالف حفظ کند.

۴. مبلغ دین، اخلاقاً و شرعاً، در برابر خداوند مسئول رفتار و گفتار خود است؛ بنابراین، باید در مباحث علمی جدی باشد و نگاه خود را حفظ کند.

۵. مبلغ دین باید متوجه باشد که یک نگاه عمدی حرام، راه را برای نگاه‌های بعدی باز می‌کند و تنوع‌طلبی را در انسان تشدید می‌کند؛ به طوری که اگر پشیمان شود و بخواهد این صفت رذیله را از خود دور کند، ممکن است چندین سال طول بکشد.

۶. ریشه بیشتر گناهان، ناامیدی از رحمت خدا و بدگمانی به اوست؛ لذا بر مبلغ است که در هر لحظه رابطه با خدا را حفظ کند و از لطف و رحمت خدا و وعده‌های دنیوی و اخروی او غافل نباشد.

۷. مبلغ هنگام تردید درباره تزام نگاه و عدم نگاه، باید اصل را بر عدم نگاه قرار دهد؛ البته باید «بافت و وضعیت زمان و مکان» را در نظر بگیرد.

#### ۴.۲. پرهیز از اختلاط

یکی از مسائل جامعه کنونی، مسئله اختلاط دختران و پسران یا زنان و مردان است. بی‌شک، ارتباط دختر و پسر و زن و مرد نامحرم، بدون رعایت حدود شرعی، برخلاف فرهنگ دینی و اعتقادی ما و نقض پیمان‌هایی است که با خدا بسته‌ایم: ﴿أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ﴾ (نحل، ۹۱). ما متعهد شده‌ایم که فقط خدا را بپرستیم، برخلاف قانون او رفتار نکنیم و در برابر امر و نهی او تسلیم باشیم.

مولا علی علیه السلام می‌فرماید: «اختلاط و گفت‌وگوی مردان با زنان نامحرم سبب نزول بلا و بدبختی می‌شود و دل‌ها را منحرف می‌سازد و نگاه بسیار بر آن‌ها روشنی دل را می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۲۹۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوش نمی‌داشت زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون بروند؛ زیرا فتنه‌ها از همین اختلاط‌ها برمی‌خیزد. رسول خدا برای اینکه برخوردی رخ ندهد، دستور



می داد مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند. یک روز رسول خدا بیرون مسجد بود، دید مردان و زنان باهم از مسجد بیرون آمدند. فرمود: «بهتر این است که شما صبر کنید، آن‌ها بروند.»

در روابط زنان و مردان، اصل بر حفظ حریم و پرهیز از اختلاط و آمیختگی است و اگر مبلغان دین این اصل را رعایت کنند و از حدود الهی تجاوز نکنند، در تبلیغ دین موفقیت چشمگیری خواهند داشت.

## ۵.۲. غیرت اجتماعی

غیرت مصدر از «غیر» به معنای رشک بردن، حمیت و ناموس پرستی است (عمید، ۱۳۸۱: ۸۹۶). غیرت یکی از اخلاق حمیده و ملکات فاضله است؛ به معنای دگرگونی حالت عادی انسان برای مقابله با کسی که به یکی از مقدساتش اعم از دین، ناموس یا جاه و امثال آن تجاوز کرده است. این صفت غریزی، صفتی است که هیچ انسانی به طور کلی از آن بی بهره نیست. پس، غیرت یکی از فطریات آدمی است و اسلام هم دینی است که براساس فطرت تشریح شده و امور فطری را تعدیل می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۷۵).

در روایات اسلامی به موضوع غیرت به منزله یک فضیلت، اهمیت زیادی داده شده و حتی از خداوند با صفت غیور یاد شده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «اِذَا لَمْ يَغُرَّ الرَّجُلُ فَهُوَ مَنكُوسُ الْقَلْبِ»؛ «اگر انسانی غیرت نداشته باشد، قلبش وارونه است» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۳۶).

به گفته علامه مجلسی، منظور از قلب وارونه این است که همانند ظرف وارونه است که چیزی در آن جای نمی‌گیرد. قلب افراد بی غیرت نیز از صفات و اخلاق برجسته انسانی تهی است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۷۵). این تعبیر نشان می‌دهد صفت غیرت، رابطه نزدیکی با دیگر اوصاف برجسته انسانی دارد؛ یعنی کسی که غیرت ندارد، پذیرای صفات اخلاقی دیگر هم نیست. مبلغ دین باید غیور باشد تا بتواند غیرت دینی مخاطبان را زنده کند تا آنان در اعتقاداتشان راسخ شوند، به مقدسات اسلامی پایبند و در حفظ نوامیس کوشا باشند، در ادای



واجبات و ترک محرّمات پیش قدم شوند، در برابر دشمنان دین سرسخت و با دوستان مهربان باشند و به عبارتی، ارزش‌ها و اصول خود را حفظ کنند.

## ۶.۲. پرهیز از مواضع تهمت

مسلمان حق ندارد آبروی خود را به خطر اندازد. یکی از چیزهایی که آبرو را به خطر می‌اندازد، قرار گرفتن در موضع تهمت است. شرکت در مجالس سوء و هم‌نشینی با افراد فاسد، زمینه را برای اتهام فراهم می‌آورد؛ به همین دلیل، خداوند فرموده است: «دشنام ندهید به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند که ایشان هم خدا را دشنام دهند» (انعام، ۱۰۸). حضرت صادق علیه السلام نیز فرمود: «پدرم می‌فرمود: ای فرزند، هرکه با رفیق بد مصاحبت می‌کند، سالم نمی‌ماند و هرکه در جای بد داخل می‌شود، متهم می‌گردد و هرکه زبان خود را مالک نیست، پشیمانی می‌کشد» (مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۲۴).

مبلّغ دین با توجه به جایگاه و مسئولیت مهمی که دارد، باید اکیداً از مواضع تهمت پرهیز کند تا هم آبروی خود را حفظ کند و هم مایه آبروی اسلام باشد. این امر موجب محبوبیت بیشتر مبلّغ در میان مردم می‌شود و زمینه تبلیغ دین را بهتر فراهم می‌کند. برای آنکه مبلّغ در معرض تهمت قرار نگیرد، بهتر است هنگام گفت‌وگو با مردم در مکان و مسیر تردد بانوان نباشد، ارتباط او با افراد مشکوک با رعایت احتیاط و با هماهنگی و مشورت با بزرگان فرهنگی باشد، از تجمّلات پرهیز کند و به‌طور کلی، سبک زندگی اسلامی را در زندگی خود الگو قرار دهد.

## ۳. تبلیغ در مناطق سنی‌نشین

دین اسلام، دینی تبلیغی است؛ برخلاف دین یهود که غیر تبلیغی و نژادپرستانه است. به همین دلیل، حفظ وحدت مسلمانان در برابر کفار و تبلیغ مشترکات دینی و مباحث اخلاقی، ضروری است. حال، سؤال این است: با وجود فرقه‌های مختلف و مذاهب مختلف اسلامی که مهم‌ترین آن‌ها حنبلی، حنفی، مالکی و شافعی است و با وجود گروه‌های مختلف افراطی مانند



وهابی‌ها، سلفی‌ها و تکفیری‌ها، آیا تبلیغ، لازم و اخلاقی است؟ باتوجه به اینکه آداب و رسوم و اعتقادات هرکسی و هر قومی برای خودش ارزشمند است، آیا باز هم تبلیغ ضرورت دارد؟ در صورت نیاز به تبلیغ، آیا تقیه لازم است؟ وجوه اشتراک شیعه و اهل تسنن کدام‌اند؟ آیا اختلافات جدی است؟ چه کسانی شایستگی دارند در مناطق سنی نشین تبلیغ کنند؟

### ۱.۳. آشنایی با منابع اهل سنت

مبلّغ باید با آداب و رسوم، دین و مذهب مردم منطقه یا کشوری که می‌خواهد در آنجا زندگی کند و به تبلیغ دینی بپردازد، آشنا باشد تا بتواند در تعاملات اجتماعی و اخلاقی با آن‌ها رفتار درستی داشته باشد.

تبلیغ در مناطق سنی نشین به آمادگی‌های خاص مبلّغ نیاز دارد که به چند نمونه آن اشاره می‌شود: اولاً، مبلّغ باید اصل وحدت اسلامی را محور قرار بدهد؛ ثانیاً، با منابع اهل تسنن آشنا باشد؛ ثالثاً، مباحث اخلاقی را پایه تبلیغش قرار دهد. مبلّغ باید هدف اصلی انسان را که رسیدن به توحید است، در نظر بگیرد و درباره عوامل تفرقه‌افکن و اعمال و اعتقادهای افراطی و تکفیری که برخلاف اهداف ادیان الهی است، اطلاع‌رسانی کند.

### ۲.۳. اولویت مباحث اعتقادی و احکام مشترک و اخلاق

یکی از روش‌های مؤثر در جذب پیروان ادیان دیگر به دین مقدس اسلام، بیان مشترکات است. این روش، فاصله‌ها را کمتر می‌کند و عناد و دشمنی اهل کتاب را از بین می‌برد. خداوند بر نکات مشترک میان مؤمنان و اهل کتاب تأکید کرده است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ﴾؛ «بگو: ای اهل کتاب، بیایید به سوی کلمه‌ای که بین ما و شما یکسان است که جز خدای یکتا را نپرستیم» (آل عمران، ۶۴). ﴿إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ﴾؛ «خدای ما و خدای شما یکی است» (عنکبوت، ۴۶).

کتاب‌های آسمانی در مسائل زیادی باهم مشترک هستند؛ به‌طور مثال: در موضوع هدایت: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَخْتُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ﴾؛ «ما تورات را که در آن روشنی و



هدایت است، فرستادیم» (مائده، ۴۴)؛ در رهبری و رحمت: ﴿وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً﴾؛ «و پیش از قرآن کتاب موسی که امام و رحمت بود، نازل گردید» (احقاف، ۱۲)؛ در وعده بهشت به رزمندگان و شهیدان راه خدا: ﴿وَعَدْنَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ﴾ (توبه، ۱۱۱) و... .

بنابراین، همان‌گونه که سیر نزول آیات قرآن، تاریخ و سیره نشان می‌دهد، مباحث توحیدی و مبدأ و معاد باید از برنامه‌های تبلیغی باشد؛ زیرا تا قلب مردم باایمان به خدا و قیامت مستحکم نشود و پایه‌های ایمانشان تقویت نگردد، هرگز باشتیاق به اعمال صالح روی نمی‌آورند (شرفی، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

### ۳.۳. باور نظری و عملی به وحدت اسلامی

بارها در کلام الهی بر دعوت به اتحاد و برادری در میان مسلمانان و دوری از تفرقه و پراکندگی تأکید شده است. قرآن کریم مسلمانان را دعوت می‌کند به ریسمان خداوندی چنگ زنند تا دچار تفرقه نشوند: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران، ۱۰۳).

شیعه و سنی هر دو مسلمان و در اعتقادات، احکام، اخلاق و... مشترکات زیادی دارند. یکی از این مشترکات مهم و اساسی، اعتقاد به امامت و حکومت امام زمان علیه السلام است؛ با این تفاوت که شیعه معتقد است امام زمان متولد شده و در غیبت است، اما اهل تسنن بر این باورند که امام در آستانه ظهور و قیامش، متولد می‌شود. همین اعتقاد به امام زمان علیه السلام خیلی از اختلافات را برطرف می‌کند. بیشتر این اختلافات، سطحی یا مربوط به امور اخروی است. وحدت مسلمانان در برابر دشمنان نباید به دلیل این اختلافات از بین برود و موجب تضعیف اسلام شود.

مقصود از وحدت اسلامی این است که پیروان هریک از مذاهب گوناگون اسلامی در عین حال که عقاید و احکام خاص مذهب خود را حفظ می‌کنند و به آن‌ها پایبند هستند، در روابط اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود با مسلمانان دیگر همسو و تابع مصالح عالیة اسلام و امت اسلامی باشند. براساس این برداشت از وحدت، امت اسلامی باید در مقابل دشمنان اسلام همواره وحدت داشته باشند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:



«امم پیشین تا هنگامی که باهم بوده‌اند، همواره در حال پیشرفت و شکوفایی بوده و به عزت و اقتدار و خلافت و وراثت زمین نائل گشته، رهبر و زمامدار جهانیان شده‌اند و از آن هنگام که خدا را فراموش کرده و به مادیگری روی آورده، دچار خودبرتربینی و تعصبات قومی و فرقه‌ای و تشنّت و پراکندگی گشته و باهم به نبرد پرداخته‌اند، خداوند لباس کرامت و عزت و خلافت را از تنشان بیرون آورده و خیر و برکت و وفور نعمت را از آنان سلب و به ذلّت و استعمار مبتلا کرده است» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: خطبة ۱۹۲).

رفتار و کردار و گفتار مبلغ در چنین مناطقی باید دقیق و صادقانه باشد، از گفتاری که اذهان جوانان را از مسیر اصلی منحرف می‌کند یا بهانه به دستشان می‌دهد، به شدت پرهیزد و بر مباحث قرآنی، اخلاقی و اعتقادی مشترک تکیه کند.

#### ۴. تبلیغ در مناطق با تکثر فرهنگی

تبلیغ در مناطق با تکثر فرهنگی نیز یکی از مسائل اخلاقی در امر تبلیغ دین است. در سربازخانه‌ها، عده‌ای خواندن و نوشتن را در حد ابتدایی می‌دانند و عده‌ای دیگر، تحصیلات عالی دارند؛ حتی گاه در مراکزی مانند دانشکده‌های افسری، افراد صاحب تألیف نیز هستند. در این محیط‌ها، مذهب‌های مختلف شیعه و سنی و گرایش‌های سیاسی مختلف نیز وجود دارد؛ به همین دلیل، مبلغ در ابتدا دچار سردرگمی می‌شود و در میان تعارضات اخلاقی قرار می‌گیرد.

#### ۱.۴. مخاطب‌شناسی صحیح

مخاطب‌شناسی که از مهم‌ترین شاخص‌های الگوی رفتار ارتباطی به‌شمار می‌رود، موجب می‌شود انسان‌ها در تعامل با دیگران، میزان خرد آن‌ها را بسنجند و متناسب با میزان عقول مخاطبان و بر پایه درک صحیح از تفاوت استعداد و توان انسان‌ها با آن‌ها سخن بگویند. گاه مطلب در نهایت استواری و درستی آماده شده است؛ اما مخاطب به دلایلی مختلف توان پذیرش آن را ندارد؛ مثلاً در وضعیت روحی یا جسمی مناسبی نیست. بنابراین، نباید در بیان مطلب زیاده‌روی کرد؛ زیرا تأثیر مطلوبی نخواهد داشت و گاه موجب زدگی فرد نیز می‌شود.



برخی از مخاطبان زود اقناع می‌شوند و برخی دیر، گروهی با دلیل و برهان قاطع سخنی را می‌پذیرند و عده‌ای با تشبیه و تمثیل، بعضی انتقادپذیرند و دسته‌ای زودرنج و...؛ لذا توجه و شناخت آنان بر عهده مبلّغ است تا بتواند به‌خوبی مطلب را ارائه کند و نتیجه‌ای خوب بگیرد. امام علی علیه السلام فرمود: «همان‌طور که تن‌ها و بدن‌ها ملول و خسته می‌شوند و به استراحت احتیاج دارند، دل انسان هم گاهی خسته می‌شود و به استراحت احتیاج دارد؛ پس برای نشاط دل‌ها به سخنان تازه حکیمانه روی بیاورید» (همان: حکمت ۱۹۷). این حکمت درخشان، بیانگر آن است که میزان پیام‌ها و برنامه‌ها و انتظارات تربیتی باید متناسب با کشش و ظرفیت مخاطب و با توجه به نیاز و میل باطنی او باشد. اگر به کشش درونی مخاطب توجه نشود، هر قدر هم پیام‌های اخلاقی و تربیتی، عالی و لازم باشند، نتیجه وارونه می‌دهند و ذوق و شوق مخاطب، کور می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۱۵۱ و ۱۵۲).

## ۲.۴. داشتن حدّ نصاب صلاحیت علمی، اخلاقی و مهارتی

سخن مبلّغ باید شروط زیر را داشته باشد:

الف) پشتوانه علمی و مطالعاتی: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (اسراء، ۳۶).

ب) به زیبایی ظاهری آن اکتفا نشود، بلکه محتوای سخن نیز باید مؤثر و سنجیده باشد.

ج) خود مبلّغ باید به آن عمل کند: ﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾؛ «نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگوئید و انجام ندهید» (صف، ۳).

آگاهی در تبلیغ مهم است؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «با علم و آگاهی سخن بگوئید که هیچ‌کس در سخن جاهلانه نیست» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۱۷۱). به‌همین دلیل است که پیروی از انسان‌های نادان جایز نیست. مبلّغ ادامه‌دهنده راه انبیای الهی است و انبیا از روی آگاهی کامل سخن می‌گفتند و مردم را به حق دعوت می‌کردند؛ بنابراین، تبلیغی که از روی ناآگاهی انجام شود، در مسیر فعالیت تبلیغی انبیای الهی نیست: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾؛ «بگو این راه من است؛ من و پیروانم با بصیرت و آگاهی کامل مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم» (یوسف، ۱۰۸).



مبلّغ همواره باید در پی فهم عمیق مطالب علمی باشد و از خدا بخواهد تا او را در دریای بی‌پایان علم هدایت کند تا به گمراهی نیفتد: ﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ (طه، ۱۱۴)؛ آن هم علمی که کاربردی و یقینی باشد؛ همچون علمی که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام خواهان آن بود: «و هنگامی که ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام گفت: پروردگارا، به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می‌کنی، خداوند فرمود: آیا باور نداری؟ عرض کرد: بله باور دارم؛ اما می‌خواهم قلبم مطمئن شود» (بقره، ۲۶۰).

#### ۳.۴. ورود نکردن به مباحث غیر ضروری

در تبلیغ دینی باید مباحث ضروری و مرتبط با معضلات جامعه در اولویت قرار گیرد و به آن‌ها به‌طور شایسته، کارآمد و راهگشا توجه شود. مبلّغ باید از بیان مباحث غیر ضروری بپرهیزد؛ مثلاً مطرح کردن مسائل شرعی آقایان در میان خانم‌ها، تبیین مباحث اخلاقی و روانی بانوان برای آقایان یا توضیح مباحث مهم علمی و موضوعاتی که دانستن آن‌ها هیچ سودی برای مردم ندارد.

#### ۴.۴. بیان منطقی مسائل دینی

رعایت نظم و دسته‌بندی مطالب از مهم‌ترین شروط سخنرانی است. انباشتن ذهن مخاطب از مطالب مختلف بدون آنکه تصویر صحیحی از ارتباط آن‌ها ارائه شود، میزان فهم او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آشفته‌گویی، پراکنده‌گویی و نداشتن دسته‌بندی برای مطالب، ذهن مخاطب را به این سو و آن سو می‌کشاند و در نتیجه، تمرکز او را از بین می‌برد. برعکس، اگر سخنرانی از دسته‌بندی مناسبی برخوردار باشد، مباحث در ذهن مخاطب متمرکز و زمینه‌آفغان اندیشه فراهم می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تبلیغات دینی، اقناع اندیشه‌انسان‌ها - نه اغفال آنان - است؛ برخلاف تبلیغات دنیاگرایان غیردینی و بی‌بندوبار که بیشتر به اغفال بشر می‌پردازند تا اقناع اندیشه‌آن‌ها. برای اقناع مخاطبان باید استدلال آورد و استدلال‌ها را با شواهد عینی و آمار و





مستندات دیگر تقویت کرد. استدلال نزد خداوند بسیار ارزشمند و والاست؛ تا جایی که حتی به مخالفان اعلام می‌شود اگر برهانی بر درستی ادعای خود دارید، بیاورید: ﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره، ۱۱۱).

#### ۵.۴. آشنایی با فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف جامعه

قوم به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که اعضای آن دارای ویژگی‌های نیاکانی و اصل و نَسَبی یکسان هستند (اسمیت، ۱۹۸۶). همچنین گروه‌های قومی اغلب دارای مشترکات فرهنگی، زبانی، رفتاری و مذهبی هستند که ممکن است از اجدادشان به آن‌ها رسیده باشد یا براساس عوامل دیگری به وجود آمده باشد؛ بنابراین، یک گروه قومی می‌تواند یک جامعه فرهنگی نیز باشد. در امر تبلیغ، شناخت قومیت‌ها و مشخصات فرهنگی آن‌ها می‌تواند راهی به‌سوی حل مشکلات ناشی از همزیستی باشد و زمینه تبلیغ دینی را فراهم کند.

#### ۶.۴. پرهیز از حزب‌گرایی سیاسی

مبلغ باید نشان دهد در خدمت همه مردم است و از طرفداری فرد یا گروهی خاص پرهیزد. در این باره، رفتار نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام در طرفداری از حق و عدالت، برای مبلغان آموزنده است: «در اولین روز ورود حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه، قبایل مختلف از ایشان دعوت کردند تا به منزل آنان وارد شوند؛ ولی ایشان برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها فرمودند: راه شتر را بازکنید، خودش مأمور است، هر کجا نشست من همان‌جا وارد می‌شوم و این‌گونه بی‌طرفی خود را به تمام مسلمانان و اهل مدینه اثبات کردند؛ چراکه نمی‌توان دوستی یا دشمنی با اشخاص خاصی را به حیوانی چون شتر نسبت داد. این است که نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از همان آغاز ورود به مدینه نگذاشتند نزدیکی ایشان با افرادی سبب اختلاف بین جامعه مسلمین گردد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ق: ۱۰۸).

هنگامی که مسلمانان در معرض حمله فکری، سیاسی و نظامی کفر قرار گرفته‌اند، باید از بیان مسائل تفرقه‌انگیز که موجب تضعیف جایگاه شیعیان نزد دیگر فرقه‌های اسلامی می‌شود



و اتحاد و انسجام اهل اسلام را نابود می‌کند، پرهیز کرد. همچنین درباره شماری از اختلافات قومی که ممکن است در برخی مناطق وجود داشته باشد، باید با درایت و با تأکید بر مشترکات دینی و ملی و یادآوری خطر دشمنان مشترک، مردم را به یکدلی و اتحاد دعوت کرد (شرفی، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

چنانچه مبلغی در امر تبلیغ دینی در دوراهی سیاسی قرار گیرد، باید اوضاع را بسنجد و مخاطبان خود را اعم از مردم و احزاب بشناسد و ارزش پیام خود را نیز ارزیابی کند؛ گاه مبلغ برای رساندن پیامی مهم از جان، مال و آبرو مایه می‌گذارد، گاه تقیه لازم است و گاه باید صبر کند؛ اما در هر حال نباید سخنانش موجب تقویت و تشویق مخالفان شود.

#### ۷.۴. مردمی بودن

خداوند در قرآن می‌فرماید: «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به هدایت شما حریص و با مؤمنان، دلسوز و مهربان است» (توبه، ۱۲۸).

اگر مبلغ با مردم مأنوس باشد، هم از مشکلات آنان باخبر می‌شود و هم زمینه اثرگذاری کلام خود را بر آنان فراهم می‌کند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «مؤمن قابل انس گرفتن است و خیری نیست در کسی که انس نمی‌گیرد و فرصت نمی‌دهد دیگران با او انس بگیرند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۰۲). برای انس گرفتن، شیوه‌های مختلفی وجود دارد، اما منشأ همه آنها دوستی و مهرورزی با مردم است. در جنگ خندق، پیامبر صلی الله علیه و آله با برنامه‌ای منظم، کار کردن خندق را به دسته‌های مسلمانان واگذار کردند و خود نیز بیل و کلنگ می‌زدند و گاه توبره‌های خاک را بر دوش می‌کشیدند (ابن هشام، بی تا: ۲۳۱). مسلمانان روزها به کندن خندق مشغول بودند و شب‌ها به خانه‌های خود بازمی‌گشتند؛ اما رسول خدا صلی الله علیه و آله روی یکی از تپه‌ها چادر زده بودند و شب‌ها نیز در همان جا می‌ماندند. بدین ترتیب، رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه با یاران خود همراه بودند؛ شانه‌به‌شانه آنان کار می‌کردند و حتی در رجزخوانی‌ها و سرودخوانی‌های آنها شرکت می‌کردند.



تربیت یافتگان سیره پیامبر ﷺ نیز چنین بودند. نقل کرده‌اند که «ضرار بن زمره ضبابی»، از خواص اصحاب امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، بر معاویه وارد شد. معاویه به او گفت: «علی را برای من وصف کن». گفت: «مرا از این کار معاف دار». معاویه گفت: «حتماً باید وصف کنی». گفت: «به خدا سوگند، دوران‌دیش و نیرومند بود، سخنانش روشن‌گر حق از باطل و حکمش عادلانه بود، علم از اطراف او می‌بارید و حکمت از رفتارش نمودار بود... به خدا سوگند که او در میان ما مانند یکی از ما بود، هرگاه به‌سوی او می‌آمدیم، به ما نزدیک می‌شد و وقتی او را دعوت می‌کردیم، می‌پذیرفت و هرگاه از او پرسش می‌کردیم، پاسخمان می‌داد. با آنکه بسیار به ما نزدیک بود و ما از نزدیکان او بودیم، از مهابتش با او سخن نمی‌گفتیم و از عظمتی که در دل‌های ما داشت، با وی آغاز سخن نمی‌کردیم...» (فیض کاشانی، ۱۳۷۶: ۱۸۹).

رسول خدا ﷺ در مجالس، جای خاصی برای خویش تعیین نمی‌کردند و در قیدوبند صدرنشینی در مجالس نبودند. هر جا که بود، می‌نشستند و یاران را نیز به همین کار سفارش می‌کردند. به همه یکسان نگاه می‌کردند تا کسی در نگاه و توجه، تبعیضی احساس نکند. مردی وارد مسجد شد و به حضور پیامبر اکرم ﷺ رسید. رسول الله ﷺ تنها نشسته بودند، ولی درعین حال، جابه‌جا شدند و برای مرد تازه‌وارد جا باز کردند. آن مرد گفت: یا رسول الله، جا که وسیع است. حضرت فرمودند: حق مسلمان بر مسلمان دیگر آن است که وقتی دید می‌خواهد نزدیک او بنشیند، برایش جا باز کند و جابه‌جا شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۰). بنابراین، مبلغان باید همه‌جا مصلحت و خیر مردم را در نظر بگیرند، نه اینکه هوس‌های خود را بر آنان تحمیل کنند.



## نتیجه

در دین اسلام، امر تبلیغ از جایگاهی والا برخوردار است؛ به گونه‌ای که طبق آیات قرآن، اساسی‌ترین وظیفه انبیا تبلیغ است. امروزه نیز با توجه به هجوم دشمنان قسم‌خورده اسلام، تبلیغ دین یک امر ضروری است که برای عموم مسلمانان، واجب کفایی و برای مبلغان و حوزه‌های علمیه، واجب عینی است.

در این پژوهش، مشکلات اخلاقی تبلیغ دین و راه‌های برون‌رفت از آن تبیین شد. چند نمونه از این مشکلات و موانع عبارتند از: تبلیغ برای جنس مخالف، تبلیغ در مناطق سنی‌نشین و تبلیغ در مناطق با تکثر فرهنگی مثل زندان‌ها و سربازخانه‌ها. برای برون‌رفت از مسائل تبلیغ برای جنس مخالف، راهکارهایی چون رعایت عفت عمومی در گفتار، رفتار و نگاه، پرهیز از نگاه حرام، پرهیز از اختلاط، غیرت اجتماعی و پرهیز از مواضع تهمت، مطرح و تبیین شد.

برای رفع مشکلات اخلاقی تبلیغ دین در میان اهل تسنن راهکارهایی معرفی شد، مانند آشنایی با منابع اهل سنت، توجه به مباحث اعتقادی و احکام مشترک و اخلاق و درنهایت، باور نظری و عملی به وحدت اسلامی و نظریه تقریب مذاهب اسلامی.

برای برون‌رفت از مسائل اخلاقی تبلیغ دین در محیط‌های با تکثر فرهنگی نیز راهکارهای مختلفی ارائه شد که عبارتند از: مخاطب‌شناسی صحیح، کسب حد نصاب صلاحیت علمی، اخلاقی و مهارتی لازم قبل از امر تبلیغ، ورود نکردن به مباحث غیرضروری، بیان منطقی مسائل دینی، آشنایی با فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف جامعه، پرهیز از حزب‌گرایی و مردمی‌بودن.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۶۲)؛ خصال؛ قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن هشام، محمد عبدالملک (بی تا)؛ السیرة النبویة؛ بیروت: دار المعرفة.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)؛ غررالحکم و دررالکلم؛ قم: دار الکتاب الاسلامیة.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)؛ وسائل الشیعه؛ قم: آل البيت.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۹)؛ لغت نامه دهخدا؛ تهران: دانشگاه تهران.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: دار القلم.
۹. رهبر، محمدتقی (۱۳۷۱)؛ پژوهشی درباره تبلیغ؛ قم: بوستان کتاب.
۱۰. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)؛ نهج البلاغه؛ تدوین و ترجمه صبحی صالح؛ قم: هجرت.
۱۱. شبّر، عبدالله (۱۳۷۴)؛ الأخلاق؛ قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۸۱)؛ فرهنگ فارسی عمید؛ تهران: سپهر.
۱۴. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۶)؛ المحجة البيضاء فی تهذیب الإحیاء؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)؛ اصول کافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)؛ بحار الانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)؛ عین الحیاه؛ قم: انوار الهدی.
۱۸. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶)؛ المنطق؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۹. نراقی، ملا احمد (۱۳۷۱)؛ معراج السعاده؛ قم: هجرت.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی